سفرنامه عکاس جوان

کتابی برای تشویق دختران و پسران به خلاق اندیشیدن، داستانگویی و بیان احساسات با استفاده از عکاسی

داوود موسوی و اوا کائون



کره زمین
فروردین ۱۳۹۶
شیطونک جان، تپلی جان

هم‌سن و سال شما که بودم، همسایه‌ای داشتیم به اسم حسن آقا. این حسن آقا هم همسایه خوبی بود، هم قصه‌گوی ماهری. صدا و لحنش مثل قصه‌گوهای حرفه‌ای بود. همیشه یا از دوره جوانی خودش برایمان قصه تعریف می‌کرد یا از داستان‌های قدیمی می‌گفت. من عاشق قصه‌هاش بودم. خانواده ما و آن‌ها دور هم می‌نشستیم، چای می‌خوردیم، حرف می‌زدیم و به قصه‌های حسن آقا گوش می‌دادیم. آن‌قدر قصه و قصه تعریف کردن را دوست داشتم که تصمیم گرفته بودم یک روز من هم مثل حسن آقا بتوانم برای دیگران قصه بگویم. ولی متاسفانه من نه داستان نوشتنم خوب بود، نه صدا و لحن گیرا و دلنشین حسن آقا را داشتم. البته کسی هم به داستان‌ها و قصه‌های من گوش نمی‌داد.
اما در عوض من چشم‌های دقیق و یک عالمه رویا داشتم. صبرم زیاد بود و به جزییات توجه می‌کردم. عاشق فیلم دیدن و ماجراجویی بودم. برای همین تصمیم گرفتم عکاس بشوم و با عکس‌هایم داستان تعریف کنم. این علاقه و عشق به داستان‌گویی و عکاسی، من را به سفر دور دنیا برد.

رامین جان، رویا جان

از وقتی شما دو تا به دنیا آمده‌اید، می‌خواستم هدیه‌ای برایتان بفرستم. هدیه‌ای هیجان‌انگیز و پر ماجرا که حسابی سرتان را گرم کند. این کتابچه همان هدیه است. قرار است با شما درباره عکاسی، داستان‌گویی، رویاپردازی، تخیل و بیان احساساتتان حرف بزنم. با برنامه‌هایی که توی این کتاب هست، یاد می‌گیرید وقتی از همه این ابزارها با هم استفاده کنید، چه اتفاقی می‌افتد. این کتابچه هفت بخش دارد: جدول کلمات، نوشتن نامه و فرستادن عکس به فرازمینی‌ها، بالا رفتن از درخت و غیره. آخر کتابچه هم یک کارت تبریک هست که می‌تواند قصه و داستان شما را با خودش به همه جای دنیا ببرد.

کار شما از همین الان جست‌وجو کردن است. ماموریت شما دقیق دیدن، توجه به خودتان و دنیای اطرافتان و عکاسی است. همه چیز را یادداشت کنید. چیزهایی را که علاقه دارید جمع کنید. به شکل‌ها و خط‌ها توجه کنید. به چهره‌ها دقیق شوید. عکس بگیرید و الهام بخش دیگران باشید.

دایی داوود



۱

بخش اول
چطور عکاس شویم

دهلی، هند
هفتم خرداد ۱۳۹۰

هوای دهلی خیلی گرم است، ۴۵ درجه. دو روز است که در هند با قطار و اتوبوس و ریکشا سفر می‌کنم. عکاس بودن کار خیلی سختی است. حتما کارهای ساده‌تری هم از عکاس بودن وجود دارد. البته من فکر می‌کنم هدفم در زندگی فقط عکاس شدن نبوده، هدفم این بوده کسی باشم که داستانی برای تعریف کردن داشته باشد. یک جدول کلمات برایتان فرستادم.
از حل کردنش لذت ببرید.



به:
تپلی و
شیطونک

این کتابچه متعلق است به:

اسم:

آدرس:

فیس بوک
راه‌های تماس

توئیتر:

اینستاگرام:

ایمیل:

وبلاگ:

گوگل پلاس:

اخطار

مواظب باشید چطور حرف می‌زنید.
داد کشیدن و زدن حرف بد باعث شکستن دل دیگران می‌شود.

احتیاجات و نیازها:

همان‌طور که هستند قبول‌شان کنیم

دختر و پسر با هم فرقی ندارند

نیاز دارند دوست داشته شوند

با زبان خودشان با آن‌ها صحبت کنیم

کودک و نوجوان ©

اجزاء تشکیل دهنده:

دوستان، فوتبال، خواب بستنی، تبلت، قلقلک بازی، دوچرخه، کارتون تخمه‌آفتاب‌گردان، کتاب داستان، ایکس باکس حیوان خانگی، شکلات، پرواز، چیپس لگو، آسمان، خورشید، تعطیلات، گل‌بازی، فرازمینی‌ها، موش، گربه، سلفی، تی‌شرت باران، وای‌فای، هدفون، داستان مصور

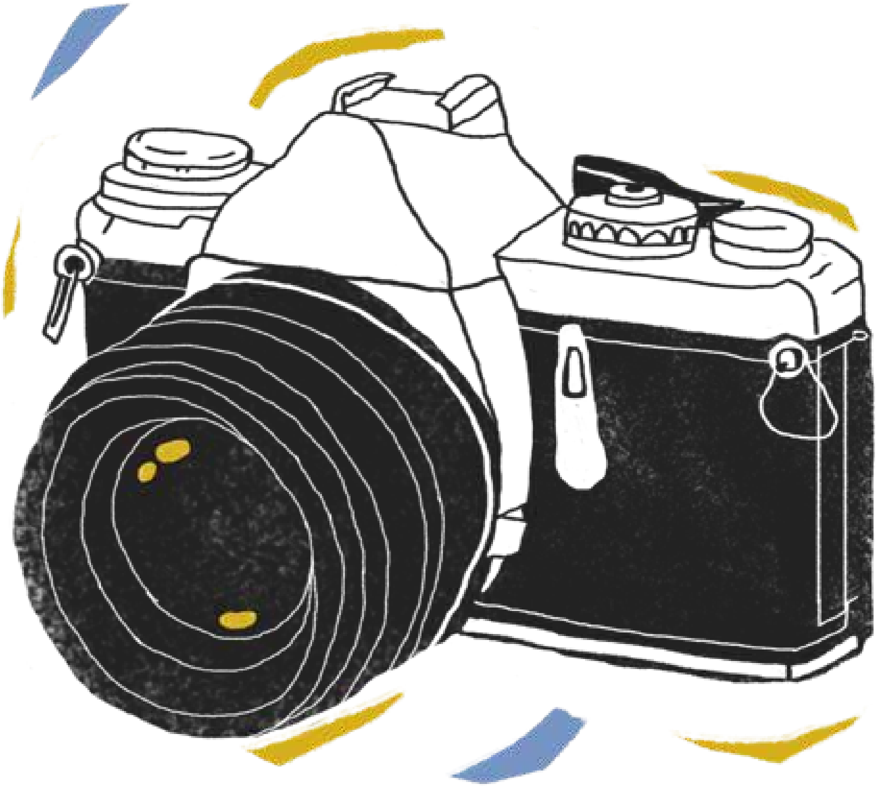
٪۱۰۰ آزاد

در رنگ‌ها و شکل‌های مختلف

در سراسر دنیا



عکاسی شغل است، تخصص است، هنر است. با عکاسی هم می‌توانیم از خودمان حرف بزنیم، هم حرف‌هایمان را به دیگران بزنیم. عکاسی لذت‌بخش است، چه وقتی تنهاییم، چه وقتی با دوستانمان هستیم. با عکاسی می‌توانیم احساساتمان را با بقیه در میان بگذاریم. با عکاسی می‌توانیم قصه و داستان تعریف کنیم. عکاسی می‌تواند خاطراتمان را ماندگار کند.



وسایل مورد نیاز:

هر نوع دوربینی داشته باشیم، فرقی نمی‌کند. دوربین گران‌قیمت و بزرگ با دوربین کوچک یا حتی دوربین موبایل زیاد با هم فرق ندارند. یادتان باشد شما به عنوان عکاس مهم هستید، نه نوع دوربینی که دارید.

یک عکاس چه ویژگی‌هایی دارد؟



چشم تیزبین
از پشت دوربین،
دنیا جور دیگری دیده
می‌شود. اگر دوربین را
برعکس دستت بگیری،
یا از بالای درخت عکس
بگیری، یا وقتی دراز
کشیده‌ای، دنیا را چطور
می‌بینی؟

خلاقیت
حواستان به خطوط،
شکل‌ها و رنگ‌ها باشد.
کاردستی درست کنید.

دفتر یادداشت
همیشه دفتر یادداشت
به همراه داشته باشید
و درباره عکسهایتان
چند جمله بنویسید.

احساس مهم است
احساس ‌ها + داستان=
عکاس موفق

فعال باشید
هر چه‌قدر می‌توانید
عکس بگیرید. فراموش
نکنید که باطری دوربین
یا تلفن همراهتان
را قبل از رفتن به
عکاسی شارژ کنید.

جرات داشته باشید
نگران اشتباه کردن
نباشید. هیچ اشتباهی
در عکاسی وجود
ندارد. هر عکس ‌ها
منحصر به‌فرد و خاص
است.

پروژه اول

در جدول زیر ۳۲ کلمه پنهان شده، آن‌ها را پیدا کنید. این کلمات برای شما چه معنایی دارند؟ حالا لباس بپوشید و دوربینتان را آماده کنید و شروع کنید به عکاسی. از سایه‌ها هم در عکسهایتان استفاده کنید، همین‌طور از خطوط، رنگ‌ها، شکل‌ها، اشیاء و افرادی که در اطراف یا در وجود خودتان هم وجود دارند. دقیق به اطرافتان نگاه کنید. همه این کلمات و موضوع‌ها در اطراف‌تان یا در وجود خودتان هم وجود دارند.

ه	ی	ا	س	ظ	ا	ط	د	م	گ	ض	ر	ک	ق	ف
ن	پ	ب	ط	ع	ر	غ	د	و	ن	ر	ا	ع	ج	ا
و	ک	س	ن	ح	ک	ن	م	گ	س	و	ز	ش	ا	ل
ه	ا	س	ب	و	ک	ا	م	ر	ف	ت	ه	ق	ی	و
ی	ب	پ	ل	ا	ر	ت	ن	و	ش	خ	ی	پ	ن	د
د	و	ا	ن	ی	م	ز	ش	ه	د	ا	ل	ظ	د	گ
ه	س	ف	ی	س	ص	م	ا	ا	ج	ن	ح	پ	ه	ی
ا	ر	پ	د	ک	ش	خ	ی	ل	ا	و	ه	ص	ز	و
غ	ا	م	ز	و	ب	ب	ز	م	ب	ا	ک	ی	ن	ر
ر	ن	و	گ	ت	ف	گ	ا	پ	ی	د	س	ب	ج	و
ظ	ر	س	ش	پ	و	ح	ن	چ	ژ	ه	ا	م	چ	ی
ا	ژ	ق	ک	ن	ا	ت	ی	ع	م	ج	ف	ی	پ	ا
ط	ب	چ	ن	ت	س	ش	ن	و	ا	ن	خ	چ	ر	ظ
ع	ی	ج	و	ر	ت	م	ی	ت	ن	ا	س	ک	ی	ه
ت	ا	ر	ی	ی	غ	ت	ا	د	ن	م	ت	ر	د	ق

یادداشت

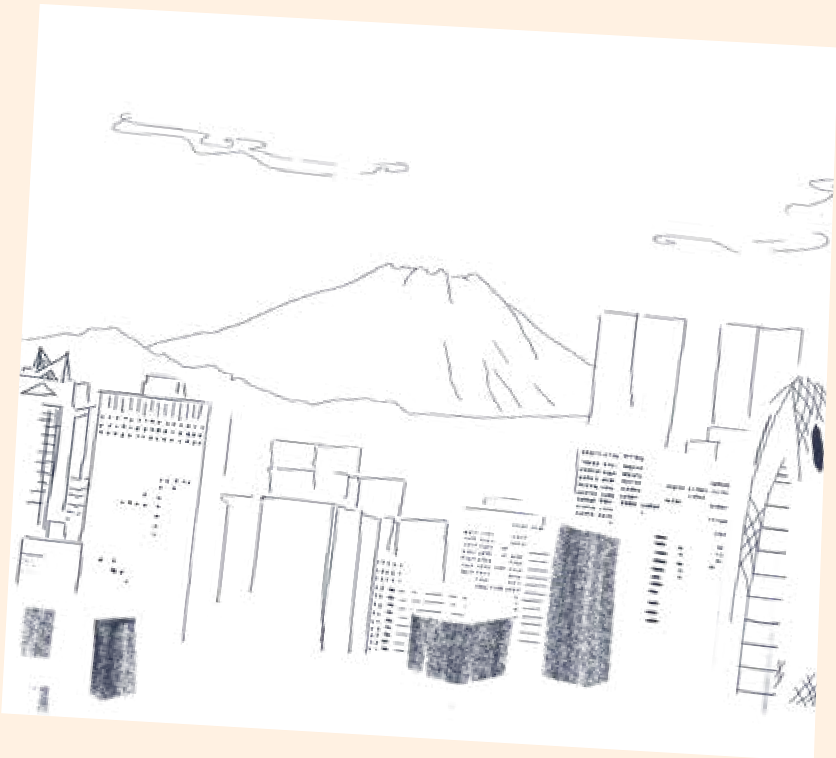
روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخش از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

یادداشت





۲

بخش دوم
من کی هستم؟

توکیو، ژاپن
آبان ۱۳۸۷

در ای‌میل‌تان خواسته بودید از خودم برایتان بگویم. من از تاریکی می‌ترسم. عاشق رقص هستم. بعضی وقت‌ها که عصبانی می‌شوم، سکوت می‌کنم. از نقشه‌ها خیلی خوب سردرمی‌آورم. مثلا می‌دانم چه جوری از روی نقشه راه خانه عمو را پیدا کنم. برعکس شما که شکلات دوست دارید، من زیاد شکلات دوست ندارم و این که هیچ کس کامل نیست.

به:
تپلی و
شیطونک

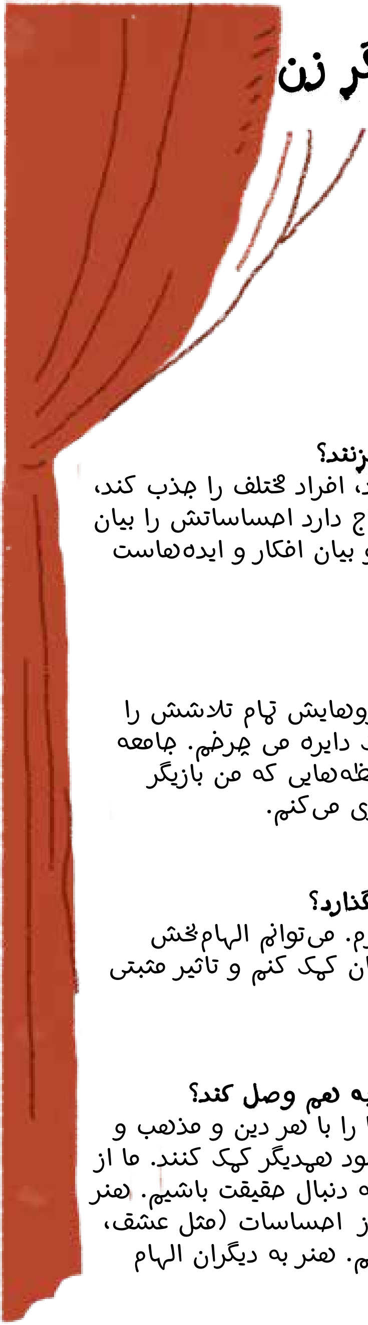
BY AIR MAIL
PAR AVION

این ویژگی‌های من است:

من

مغرور	دقیق	فعال
خلاق	متفاوت	کنجکاو
بامزه	آگاه	شاد
زیبا	نگران	کاردان
وفادار	قوی	باهوش
ماجراجو	مسئولیت‌پذیر	دوست‌داشتنی
شجاع	فهمیده	ارزشمند
گوشه‌گیر		آزاد

هستم



مصاحبه‌ای کوتاه با یک بازیگر زن درباره «خود» و «هویت»

اسم: ماریا

شغل: بازیگر تئاتر

چرا انسان‌ها نیاز دارند درباره احساساتشان حرف بزنند؟
هر آدمی به‌شکل غریزی برای این که بهتر دیده بشود، افراد مختلف را جذب کند، دیگران را درک کند و دیگران هم درکش کنند، احتیاج دارد احساساتش را بیان کند. از طرف دیگر، جامعه با همین ابراز احساسات و بیان افکار و ایده‌هاست که رشد می‌کند.

شما خودتان را چه جور آدمی تعریف می‌کنید؟
من زن هستم، موجودی قوی که برای رسیدن به آرزوهایش تمام تلاشش را می‌کند، اما جامعه با من کاری می‌کند که انگار دور یک دایره می چرخم. جامعه دوست ندارد سنت‌هایش را عوض کند. شاید تنها لحظه‌هایی که من بازیگر نیستم و خودم هستم، وقت‌هایی است که نقش بازی می‌کنم.

آیا کار شما به‌عنوان یک هنرمند روی جامعه تاثیر می‌گذارد؟
به‌عنوان یک زن هنرمند، من مسئولیت‌های زیادی دارم. می‌توانم الهام‌بخش دیگران باشم. می‌توانم به قوی‌تر شدن زنان و رشدشان کمک کنم و تاثیر مثبتی در جامعه داشته باشم.

هنر چه گونه می‌تواند به مردم کمک کند و آن‌ها را به هم وصل کند؟
هنر متعلق به همه مردم دنیاست. می‌تواند مردم دنیا را با هر دین و مذهب و نژادی که دارند به هم وصل کند و باعث شود به بهبود همدیگر کمک کنند. ما از طریق هنر می‌توانیم هزاران پرسش مطرح کنیم و به دنبال حقیقت باشیم. هنر به ما کمک می‌کند خودمان را جای دیگران بگذاریم و از احساسات (مثل عشق، نفرت، انتقام و بخشش و ...) و عقایدشان باخبر شویم. هنر به دیگران الهام می‌بخشد و باعث اتحاد بین آدم‌ها می‌شود.

دفترچه یادداشت: رامین مرادیان

اسم: **رامین**
معروف به: **با صفا**
شهر: **زابل**
سن: **۱۵ سال**

بهترین غذای دنیا: ماکارونی
رنگ‌های موردعلاقه: زرد و خاکستری
حیوان موردعلاقه: یوزپلنگ ایرانی که دارد تقریبا منقرض می‌شود

هیچ کس حق ندارد به این دفترچه دست بزند

تیر
فردا کارنامه‌ها را می‌دهند. اوخ اوخ. رویا می‌خواهد خلبان هواپیما بشود. رویا می‌گوید با این هواپیما می‌خواهد پرواز کند. دلم برای مسافرهایش می‌سوزد.

اردیبهشت
ما برنده شدیم، هورا!!! تیم فوتبالمان توی زابل اول شد، بهترین بازیکن هم من شدم.

اردیبهشت
مامان‌بزرگ مریض است. ما و دایی و خاله‌ها به نوبت ازش نگهداری می‌کنیم. مامان‌بزرگ امروز یواشکی بهم گفت که من بهتر از همه بلدم ازش مراقبت کنم؛ چون براش روزنامه می‌خوانم، باهاش بیشتر حرف می‌زنم و به قصه‌هاش گوش می‌دهم. می‌خواهم پرستار بشوم.

خرداد
باز خرداد و امتحان. همه‌اش امتحان امتحان. بدم می‌آید از خرداد.

هنوز خرداد است
امروز با بابا رفتیم لب رودخونه. وقتی بابا جوان بود با بابابزرگ می‌آمد اینجا. آن موقع رودخانه پرآب بود و پر ماهی. ولی الان تقریبا خشک شده. حتی خیلی از مردم خانه‌ها و روستاهایشان را ترک کرده‌اند. بابا بابت این ماجرا خیلی غمگین شد.

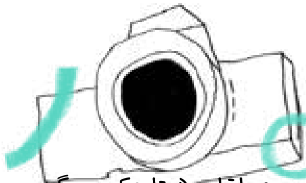
شهریور
کارت‌پستال از کشور غنا. دایی داوود یک کارت‌پستال برایمان فرستاده از آن جا.

مرداد
دایی سهراب بهم دو تا کتاب داد. اولیش کتاب شعری از سهراب سپهری است. آن یکی هم کتاب حیات‌وحش در ایران است. هر دو تاش را دوست دارم.

حرف‌های الکی الکی الکی الکی

مهر
امروز مامان‌بزرگ را بردیم بیمارستان. حالش بد بود. دکتر گفت حالش خیلی بد است و باید بستری بشود. کل روز را گریه کردم.

پروژه دوم



این پروژه فقط و فقط درباره خودتان است. حداقل ۵۰ تا عکس بگیرید، بدون این که از اتاق، آپارتمان یا خانه بیرون بروید.

چه عکس‌هایی؟ مثلا:

-اولین چیزی که تا از خواب بیدار می‌شوید می‌بینید، چیست؟ از همان عکس بگیرید.

-از زیر تخت یا از لحاف و بالشتان عکس بگیرید.

-چه چیزی را در اتاق، آپارتمان یا خانه‌تان دوست دارید؟ از آن عکس بگیرید.

-با ارزش‌ترین چیزی که دارید چیست؟ از آن عکس بگیرید.

-از جایی که می‌خوابید، استراحت می‌کنید یا درس می‌خوانید عکس بگیرید.

-از خودتان در هرگوشه اتاق یا آپارتمان یا خانه‌تان عکس بگیرید.

-ترسناک‌ترین قسمت اتاق یا آپارتمان یا خانه‌تان کجاست؟ از آن عکس بگیرید.

-وقتی وارد اتاق یا آپارتمان یا خانه‌تان می‌شوید، اولین چیزی که می‌بینید چیست؟ از آن عکس بگیرید.

-خاص‌ترین بخش اتاق یا آپارتمان یا خانه‌تان چیست؟ از آن عکس بگیرید.

-از پنجره اتاق، آپارتمان یا خانه‌تان چه می‌بینید؟ از همان عکس بگیرید.

-چه چیزی در خانه ناراحتتان می‌کند؟ از آن عکس بگیرید.

-چه چیزی در خانه خوشحالتان می‌کند؟ از آن عکس بگیرید.

-از کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنید عکس بگیرید.

-لباسی را که دوست دارید بپوشید و از خودتان عکس بگیرید.

-یک عکس خیلی نزدیک از خودتان بگیرید.

-از یک ویژگی خاصتان یا چیزی که شما را از بقیه متمایز می‌کند عکس بگیرید.



یادداشت

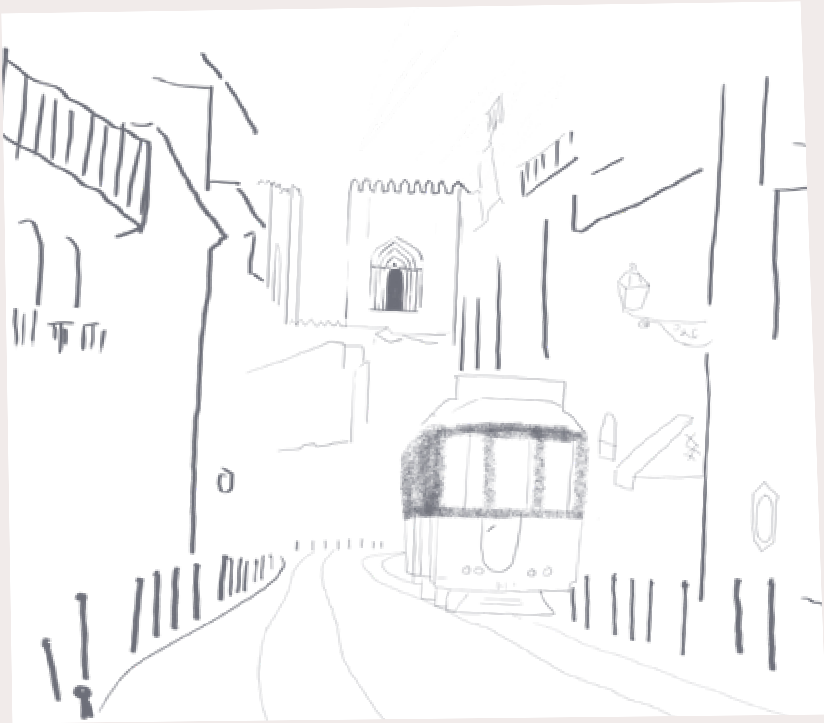
روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخش از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

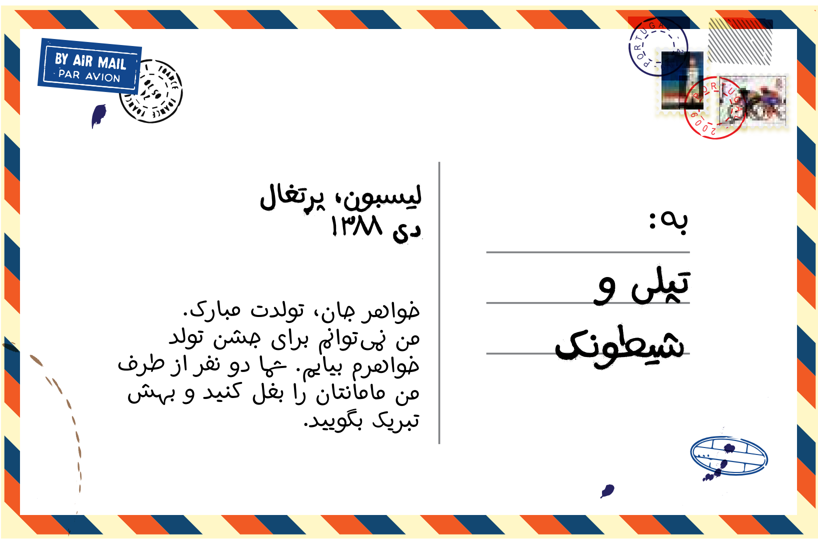
یادداشت





۳

آدم‌هایی که اطرافم هستند



درخت رویا و خیال



رویا یا فکر بکر مخلوط از خاطره‌های



قدیمی و فکرهای جدید است.

ابراز احساسات یعنی این که بتوانیم درباره افکار و احداقی که داریم حرف بزنیم. اگر خوشحالید یا عصبانی هستید، باید بتوانید با دیگران حرف بزنید و دلایل عصبانیت یا خوشحالیتان را بگویید.

صحبت کردن درباره فکر و احساس خیلی مهم است.
خیلی از مشکلات با صحبت کردن حل می‌شود.

عکس گرفتن از مادر

حدود دو میلیارد و دویست و پنجاه و چهار میلیون و سیصد و شصت و پنج هزار مادر در سراسر جهان وجود دارد. از دور، همه مادرها شبیه به هم هستند. اما در حقیقت همه آن‌ها با هم فرق دارند و هر کدام متفاوت و منحصر به‌فرد هستند. یک مادر علاوه بر مادر بودن نقش‌های دیگری هم دارد.





اسم: سیمین مرادیان
مشهور به: مامان
سن: ۵۲ سال
رنگ موردعلاقه: آبی

کار موردعلاقه: خوابیدن و رانندگی کردن
کاری که به آن علاقه ندارد: جارو زدن
سرگرمی مورد علاقه: سفر

پروژه سوم

این پروژه درباره عکاسی از چهره است.

از سه نفر از کسانی که برایتان خیلی مهم‌اند و دوستشان دارید، عکس بگیرید.

این سه نفر می‌توانند مادر، پدر، برادر ،خواهر، دایی، عمو، مادربزرگ، پدربزرگ، دوست، همسایه، معلم یا هر کس دیگری باشد که برای شما مهم است.

-این افراد کی هستند؟

-از چه چیز آن‌ها خوشتان می‌آید؟ از آن عکس بگیرید.

-وقتی در حال خندیدن هستند، ازشان عکس بگیرید.

-وقتی جدی‌اند، ازشان عکس بگیرید.

-این افراد چه ویژگی مهمی دارند؟ عینکی‌اند، کلاه دارند، عصا دارند یا انگشتر؟

-وقتی در خانه هستند، ازشان عکس بگیرید.

-بیرون از خانه، ازشان عکس بگیرید.

-ازشان بپرسید کجای خانه یا محله را دوست دارند. با آن‌ها به این نقطه‌ها بروید و همان جا ازشان عکس بگیرید.

-در حال استراحت ازشان عکس بگیرید.

-بپرسید کجا دوست دارند ازشان عکس بگیرید؟

-از رنگ موردعلاقه‌شان عکاسی کنید.



یادداشت

روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخش از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

یادداشت





۴

محله ما

لیما، پرو

اردیبهشت ۱۳۹۰

در سفرهایم به دور دنیا دو مسئله را یاد گرفتم: اول این که هر جا بروی، خاطرات همراهت می‌آیند و دوم این که هرجایی بروی، حتما همسایه‌ای خواهی داشت.

به:

تپلی و

شیطونک

محله هزار داستان



کوچه عقاب، پلاک ۱۳

حسن آقا همسایه ما است. حسن آقا با این که هیچ وقت به هیچ شهر دیگری سفر نکرده، اما همیشه یک عالم داستان از سفرهایش برای گفتن دارد. ما هم می‌دانیم که داستان‌هایش ساختگی است، اما پدر همیشه می گوید: «مهم نیست؛ چون حسن آقا در خیال و رویایش سفر می‌کند.»

خیابان ساعت، پلاک ۵۲

این جا آرایشگاه آرش است؛ جایی که پدر هفته‌ای یکی، دو بار به بهانه اصلاح کردن به آن سر می‌زند، ولی در اصل با دوستانش آن‌جا جمع می‌شوند، چای می‌خوردند و حرف می‌زنند.

خیابان بالا، پلاک ۱۷

خانه عباس این جاست. عباس بهترین فوتبالیست محله است. تصمیم گرفته وقتی که بزرگ شد یا مثل رونالدو فوتبالیست بشود یا بشود کاندیدای شورای شهر.

کوچه رهنما، پلاک ۸

این جا خانه سعید صخره است. به او می‌گوییم صخره؛ چون مثل صخره قوی و سرسخت است. یک بار با موتور خورد زمین، یک بار هم تصادف کرده و ده بار هم بیشتر با دوچرخه خورده زمین، ولی انگار نه انگار.

خیابان کمربندی، پلاک ۲

خاله آجیلی و اردکش، گلوله برفی، این جا زندگی می‌کنند. خاله آجیلی قد بلند و لاغر است. خیلی پیر است و همیشه موهایش آشفته است. قیافه‌اش کمی ترسناک است. هیچ کس نمی‌داند چرا بهش می‌گویند خاله آجیلی. حتی رد شدن از جلوی خانه‌اش هم ترسناک است.

مدرسه آب‌انبار

خیلی قدیم‌ها مدرسه ما کنار رودخانه بود. الان رودخانه خشک شده. باد که می‌آید، یک عالم شن و ماسه با خودش می‌آورد توی خانه‌ها و کوچه‌ها و مدرسه‌مان. کاش رودخانه هنوز بود و بعد از مدرسه می‌رفتیم و توش شنا می‌کردیم.

کوچه دایی، پلاک ۱۱

مغازه اکبر بداخلاق توی این کوچه است. اکبر آقا اصلا بچه‌ها را دوست ندارد. هر وقت از جلوی مغازه‌اش رد می‌شویم یا می‌خواهیم ویترین مغازه‌اش را ببینیم، داد می‌زند: «بروید جلوی مغازه را شلوغ نکنید.» جنس را که می‌فروشد نه پس می‌گیرد، نه عوض می‌کند. اکبر بداخلاق از هیچ کس خوشش نمی‌آید.



کوچه بلبل، پلاک ۳۱

این جا خانه مهین خانم است. مهین خانم ازدواج نکرده، بچه هم ندارد. تک و تنها زندگی می‌کند. مهین خانم خبرنگار روزنامه محلی ما است. بابا یک بار گفت دلش برای مهین خانم می‌سوزد. مامان که داشت چای می‌ریخت، زیرچشمی به بابا که جلوی تلویزیون لم داده بود و تخمه می‌شکست نگاه کرد و گفت: «خوش به حالش، چه زن خوشبختی است.»

جاهایی که می‌شود کلی داستان و قصه گفت و شنید



آرایشگاه

همیشه کلی حرف و قصه و داستان این جاها گفته و شنیده می‌شود. خبرها این جا مثل برق و باد می‌پیچد.



بازار

بازارها همیشه محل رفت و آمد مردم هستند. یکی از بهترین مکان‌هایی که می‌شود با دیگران حرف زد و کلی داستان و خبر و قصه شنید.

مهمانی و جمع‌های فامیلی

شاید این دور هم جمع شدن‌ها همیشه جالب نباشد، اما همیشه خوبی‌های خودش را هم دارد. مثل حضور دایی یا عمه‌ای که اهل سفر و کتاب است یا این که سفری رفته و شاهد اتفاق مهمی بوده و حالا آمده و برایتان تعریف می‌کند. یا مثلا حضور عمویی که کوهنورد است و تازه از یکی از سفرهای ماجراجویانه‌اش برگشته و کلی تعریف کردنی دارد. همه این آدم‌ها کلی تجربه و داستان دارند و می‌شود خیلی چیزها ازشان شنید و یاد گرفت.

قهوه‌خانه و کافی‌شاپ

قهوه‌خانه‌ها و کافی‌شاپ‌ها همه جای دنیا مرکز جمع شدن مردم هستند. مکان‌هایی عالی برای نوشیدن چای و قهوه، کتاب خواندن، دیدار با دوستان، شطرنج بازی کردن و گوش دادن به موسیقی.



مدرسه

مدرسه شاید جای خسته‌کننده‌ای به‌نظر برسد، اما بهترین جایی است که با دوستان و هم‌سن و سال‌هایتان می‌توانید حرف بزنید و بحث و گفت‌وگو کنید، از معلم‌ها سوال بپرسید و چیزهای جدید یاد بگیرید.



وسایل نقلیه عمومی

اتوبوس یا مینی‌بوس که سوار می‌شوید، همیشه چند نفری در حال گفت‌وگو یا روزنامه خواندن هستند. یکی از بهترین جاهایی که می‌شود به چهره‌ها و رفتار دیگران نگاه کرد و شهر و چشم‌اندازها را از زاویه متفاوتی دید همین وسایل نقلیه عمومی هستند.

پروژه چهارم

این پروژه به شما کمک می‌کند تا محله و همسایه‌هایتان را بهتر بشناسید.

دوربینتان را بردارید و اطراف محله‌تان قدم بزنید. در شهر زندگی می‌کنید یا روستا؟

از چه چیزهایی می‌توانید عکس بگیرید؟ مثلا می‌توانید:

-از زیباترین نقطه محله‌تان عکس بگیرید.

-از حیاط خانه‌تان عکس بگیرید.

-از خیابانی که در آن زندگی می‌کنید.

-از جایی از محله که ازش می‌ترسید.

-از محله‌تان در شب عکس بگیرید.

-از محله‌تان صبح زود عکس بگیرید.

-از پیرترین آدمی که در محله‌تان هست عکس بگیرید.

-از جایی که هر روز رفت و آمد دارید عکس بگیرید.

-از بخش‌هایی از محله که همیشه آرام و ساکت‌اند.

-از شلوغ‌ترین جای محله عکس بگیرید.

-از کسی عکس بگیرید که همیشه در محله رفت و آمد دارد، اما کسی زیاد بهش توجه نمی‌کند.

-از چیزی در محله که همه از آن استفاده می‌کنند عکس بگیرید.

-از جایی که اهالی محل دور هم جمع می‌شوند عکس بگیرید.

-از مغازه نزدیک خانه‌تان عکس بگیرید.

-از بازار محله عکس بگیرید.

-از بالای یک بلندی (مثلا از بالای درخت یا از طبقه بالای یک ساختمان) از محله‌تان عکس بگیرید.

-از قدیمی‌ترین خانه محله‌تان عکس بگیرید.

-از مدرسه خودتان عکس بگیرید.

یادداشت

روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخش از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

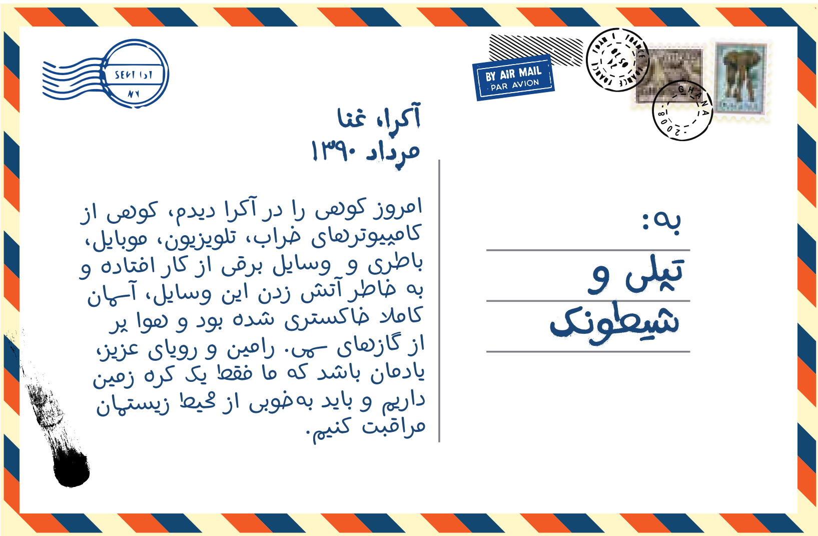
یادداشت





۵

محیط زیست

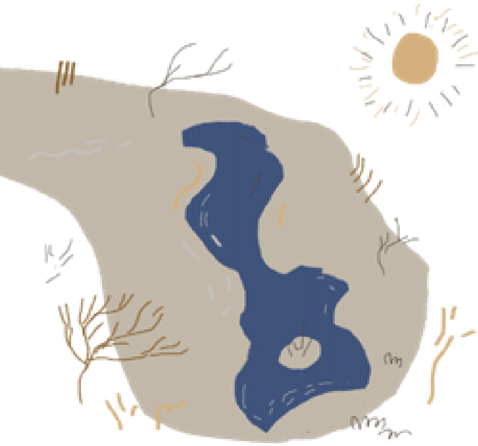


آکرا، غنا
مرداد ۱۳۹۰

امروز کوهی را در آکرا دیدم، کوهی از کامپیوترهای خراب، تلویزیون، موبایل، باطری و وسایل برقی از کار افتاده و به خاطر آتش زدن این وسایل، آسمان کاملا خاکستری شده بود و هوا پر از گازهای سمی. رامین و رویای عزیز، یادمان باشد که ما فقط یک کره زمین داریم و باید به‌خوبی از محیط زیستمان مراقبت کنیم.

به:
تپلی و
شیطونک

دریاچه ارومیه در حال نابود شدن است



روزی روزگاری دریاچه ارومیه،
بزرگ‌ترین دریاچه خاورمیانه
و سومین دریاچه بزرگ دنیا بود.

اما متاسفانه الان در حال نابودی
است. دریاچه ارومیه
درحال خشک شدن است.

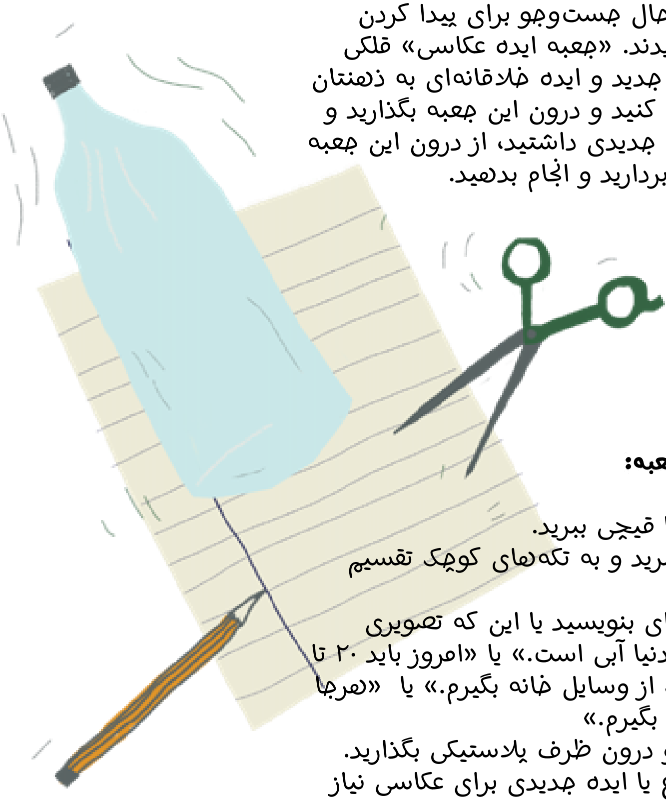
«آکو سالِی» عکاس ایرانی است که در شهر بوکان در استان آذربایجان غربی به دنیا آمده و بزرگ شده است. او برنده چندین جایزه جهانی عکاسی است. آکو می گوید: «عکاسی کردن تنها راهی است که من بلدم تا چیزی را که اطرافم حس می‌کنم به دیگران منتقل کنم. وقتی می‌بینم محیط زیست اطرافم هر سال بیشتر از سال پیش در حال نابودی است، برای من که در طبیعت بزرگ شده‌ام، این قضیه تاسف‌بار است. من سعی می‌کنم با عکاسی و نشان دادن این شرایط به دیگران، آن‌ها را آگاه کنم. امیدوارم مردم با دیدن عکس‌های من نسبت به چگونگی مصرف انرژی حساس شده و تشویق شوند تا از محیط زیست حفاظت کنند.



بازیافت یعنی استفاده دوباره از مواد و چیزهایی که به طرز دیگری قابل استفاده نیستند.

جعبه ایده برای عکاس

افراد خلاق مدام در حال جست‌وجو برای پیدا کردن ایده‌ها و کارهای جدیدند. «جعبه ایده عکاس» قلکی است تا هر وقت فکر جدید و ایده خلاقانه‌ای به ذهنتان رسید، آن را یادداشت کنید و درون این جعبه بگذارید و بعد که نیاز به ایده‌ای جدیدی داشتید، از درون این جعبه یکی از ایده‌هایتان را بردارید و انجام بدهید.



وسایل مورد نیاز:

یک بطری پلاستیکی
قیچی
مداد یا خودکار
یک ورق کاغذ

روش درست کردن جعبه:

۱- بطری را از وسط با قیچی ببرید.
۲- کاغذ را با قیچی ببرید و به تکه‌های کوچک تقسیم کنید.
۳- روی هر تکه جمله‌ای بنویسید یا این که تصویری بکشید. مثلا: «امروز دنیا آبی است.» یا «امروز باید ۲۰ تا عکس از فاصله نزدیک از وسایل خانه بگیرم.» یا «هرجا عدد ۱۱ را دیدم، عکس بگیرم.»
۴-برگه‌ها را تا کنید و درون ظرف پلاستیکی بگذارید.
۵-هر وقت به موضوع یا ایده جدیدی برای عکاس نیاز داشتید، یکی از کاغذها را از درون جعبه بیرون بکشید و بر اساس آن موضوع شروع کنید به عکاسی.

کارت پستال‌هایی از ایران

POSTS ۱۷ | FOLLOWERS ۸۲ | FOLLOWING ۵۱

از نگاه نوجوانان ایرانی

NeverSeconds

یک روز مارتای ۹ ساله شروع کرد به عکس گرفتن از غذای نه چندان خوشمزه و سالم مدرسه‌اش و گذاشتن این عکس‌ها در یک وبلاگ. اسم وبلاگ مارتا **NeverSeconds** است. وبلاگ مارتا خیلی موفق شد و ظرف دو سال حدود ده میلیون نفر از عکس‌ها و نوشته‌های مارتا در وبلاگش بازدید کردند. بعد از آن، مارتا را به تلویزیون دعوت کردند و با او در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف مصاحبه کردند.

تاثیر:عکس‌های ساده مارتا از ظرف غذایش و نوشتن درباره ناسالم بودن غذای مدرسه منجر به جمع‌آوری پول برای امور خیریه و بهبود ناهار مدرسه شد.

#غذا #مدرسه #خیریه #NeverSeconds

mbs_counselor

معلم «دبستان معرفت» در روستای آیرقایه در نقطه صفر مرزی ایران و ترکمنستان شروع کرد به عکس گرفتن از خودش و بچه‌های مدرسه و پست کردن آن‌ها در اینستاگرام. این معلم از امکانات محدود مدرسه و همچنین از شوق و ذوق و علاقه دانش‌آموزانش برای درس خواندن عکس می‌گرفت. صفحه اینستاگرام این آقای معلم به سرعت بیش از ۱۶۰۰ دنبال‌کننده/ فالوئر پیدا کرد و عکس‌هایش در خبرها و روزنامه‌ها منعکس شد. مردم کمک کردند و برای این مدرسه و شاگردهایش کلی هدیه فرستادند. حتی شاگردهای

این مدرسه توانستند با دوربین‌های کوچکی که به آن‌ها هدیه داده شده بود عکاسی کنند و در شهرهای مختلف، مثل تهران، عکس‌هایشان را به نمایش بگذارند.

تاثیر: با کمک و پولی که مردم برای این مدرسه و دانش‌آموزانش جمع کردند، یک زمین بازی در حیاط مدرسه ساخته شد. برای بچه‌ها لباس، کیف، کفش، کتاب، دفتر و مداد خریداری شد. مردم مهربان و خیر برای یکی از دانش‌آموزان مدرسه که مریض بود، پول جمع کردند و هزینه درمانش را پرداخت کردند.

#اینستاگرام #مدرسه #mbs_counselor
#منطقه‌صفرمرزی

@solmazdaryani

سولماز دریانی عکسی از دریاچه ارومیه گرفت که در حال خشک شدن است و عکس را در صفحه اینستاگرامش گذاشت. لئوناردو دیکاپریو، بازیگر مشهور، عکس سولماز را دید و آن را در صفحه توییتر خودش دوباره منتشر کرد. حدود ۳۰۰ هزار نفر این عکس را دیدند و خبر خشک شدن دریاچه ارومیه به همه جای دنیا رسید.

تاثیر: آگاه کردن مردم درباره مشکلات محیط زیست
#محیط‌زیست #دریاچه‌ارومیه #اینستاگرام

پروژه پنجم

این پروژه درباره محیط زیست است. شما عکاس‌خبرنگاری هستید که باید درباره مشکلی که در محیط زیست محله، روستا یا شهرتان وجود دارد گزارش تهیه کنید.

به یاد داشته باشید که کشور ما ایران شش مشکل خیلی بزرگ دارد:
۱- کمبود آب؛
۲- آلودگی هوا؛
۳- آلودگی آب؛
۴- زباله؛
۵- حیات وحش ایران که در خطر است و
۶- استفاده غلط از منابع انرژی.

کدام یک از مشکلات بالا در محله، روستا یا شهر شما وجود دارد؟
از بزرگ‌ترها یا معلمتان بپرسید که از چه زمانی این مشکل به‌وجود آمده؟
چه بخش و چه کسانی از این مشکل آسیب دیده‌اند؟

جواب‌ها را در دفتر یادداشتتان بنوسید.
تا جایی که می‌توانید از این مشکلات و کسانی که به خاطر آن‌ها آسیب دیده‌اند عکس بگیرید.
۵ تا ۱۰ عکس را از بین همه عکس‌هایی که گرفته‌اید انتخاب کنید. یادداشتی درباره این عکس‌ها بنویسید و مشکل را توضیح بدهید. عکس‌ها و یادداشت را برای روزنامه محلی‌تان بفرستید.



یادداشت

روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخشی از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

یادداشت





۶

داستان‌هایی که می‌گوییم

کیپ تاون
اسفند ۱۳۹۴

به:
تپلی و شیطونک

آفریقا محل پیدایش انسان امروزی بوده. با این که اجداد ما انسان‌ها، در تمام زمین پراکنده شدند، اما قصه‌ها و داستان‌ها هنوز عامل اصلی پیوند ما انسان‌ها هستند.

نکته‌هایی از زندگی افراد خلاق



خانم جی.کی. رولینگ، نویسنده مجموعه داستان‌های هری پاتر، ایده و فکر اولین کتابش را وقتی در حال سفر با قطار از منچستر به لندن بود روی دستمال کاغذی نوشت.



انوشه انصاری اولین زن ایرانی است که به فضا سفر کرده است. انوشه خانم ساعت‌ها به آسمان نگاه می‌کرد و همیشه به خودش می‌گفت: «چه چیزهایی در آسمان‌ها است؟ بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم شاید دختری به نام انوشه در سیاره دیگری زندگی می‌کند.» انوشه مشهد به دنیا آمده است.



مارک زاکربرگ پایه‌گذار فیس‌بوک است. مارک همیشه یک جور لباس می‌پوشد. یک تی‌شرت خاکستری و یک شلوار لی. چرا؟ چون وقتش را برای انتخاب لباس هدر نمی‌دهد. مارک از وقت و انرژی‌اش برای گرفتن تصمیم‌های مهم‌تر استفاده می‌کند.



مریم زندی عکاس است که خودش را نویسنده تصویری می نامد؛ چون برخلاف دیگر عکاس‌ها هیچ وقت بین نوشتن و عکس گرفتن یکی را انتخاب نکرده، او از هر دو هنر نوشتن و عکس گرفتن استفاده می‌کند. هر جا که می‌رود همیشه دوربین، قلم و دفترچه یادداشت همراهش است.



آقای شل سیلوراستاین، شاعر، ترانه‌سرا و نویسنده کتاب‌های بسیاری برای کودکان است. سیلوراستاین دو بار از دانشگاه به خاطر نمره‌های پایینش اخراج شد، ولی با وجود همه این شکست‌ها، او مجموعه‌ای از خواندنی‌ترین کتاب‌های کودکان را نوشته است. کتاب‌های سیلوراستاین تا حالا ۲۰ میلیون بار منتشر شده اند.

چرا تعریف کردن داستان‌هایمان مهم است؟

هر آدمی داستانی برای گفتن دارد

این داستان‌ها هستند که تاریخ را می‌سازند. تاریخ مجموعه‌ای از داستان آدم‌هایی است که قبل از ما در این دنیا زندگی کرده‌اند. ما از تاریخ و داستان‌های دیگر می‌توانیم بفهمیم گذشتگان ما چه‌طور زندگی می‌کرده‌اند. با داستان گفتن می‌توانیم تجربه‌ها و دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذاریم. این داستان‌ها باعث دوستی، یادگیری و درک بهتر یکدیگر می‌شود.

اگر می‌خواهیم همدیگر را بهتر بشناسیم و بهتر فهمیده شویم تا زندگی شادتر و بهتری در کنار هم داشته باشیم، باید داستان‌هایمان را تعریف کنیم و به داستان‌های دیگران هم گوش بدهیم.

سلام از طرف بچه‌های کره زمین



فضاپیمای وویجر ۱

۱۴ شهریور سال ۱۳۵۶ فضاپیمای وویجر ۱ به آسمان فرستاده شد. ماموریت این فضاپیما انتقال اطلاعات درباره کره زمین، نوع زندگی و فرهنگ ما انسان‌های روی کره زمین به موجودات فرازمینی بود. دانشمندان با فرستادن فضاپیمای وویجر ۱ امید داشتند که اگر موجودات دیگری در آسمان‌ها و بیرون از منظومه شمسی وجود دارند، بتوانند از وجود ما باخبر بشوند و با زمین ارتباط برقرار کنند. ۲۲ شهریور ۱۳۹۲ این فضاپیما از منظومه شمسی خارج شد. فضاپیمای وویجر ۱ اولین وسیله ساخت دست بشر است که از منظومه شمسی خارج و وارد فضای بین ستاره‌ها شده است. این فضاپیما حاوی صفحه‌ای طلایی با اطلاعاتی از تمدن زمینی است. در حال حاضر، فضاپیمای وویجر ۱ حدود ۱۹ میلیارد کیلومتر از خورشید فاصله دارد و تا چهل هزار سال دیگر به هیچ ستاره‌ای نزدیک نخواهد شد.



چه اطلاعاتی در صفحه طلایی قرار داده شده؟

- ۱۱۵ عکس شامل عکس از یک زن و مرد، مناظری از زمین، ساختمان‌هایی مثل تاج محل، معبد مایاها؛
- صدای ماشین‌ها، پرندگان، نهنگ و بوسیدن؛
- تعدادی از موسیقی‌های بهترین آهنگ‌سازان تاریخ بشر مثل باخ، موتزارت، بتهوون و حتی موسیقی محلی آذربایجان؛
- کد مورس و فرمول نسبیت انیشتین **E=MC2**
- دی‌ان‌ای **(DNA)** انسان و امواج مغزی یک زن؛
- سلام و احوال‌پرسی به ۵۵ زبان دنیا. هم‌چنین صدای یک کودک ۶ ساله که
- می‌گوید: «سلام از طرف بچه‌های کره زمین» و
- جمله‌ای به فارسی و شعری از سعدی:
- درود بر ساکنین ماوراء آسمان‌ها
- بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند
- چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار

پروژه ششم

شما جستجوگرید. ماموریت شما تهیه این پیام است: «سلام از طرف بچه‌های کره زمین». باید حداکثر ۱۰ عکس بگیرید که بتواند این پیام را به شکل تصویری برساند.

به این فکر کنید که پیام شما با فضاپیمای بعدی به فضا فرستاده می‌شود. پس فراموش نکنید که این عکس‌ها را موجودات فرازمینی می‌بینند؛ موجوداتی که هیچ اطلاعی از زمین و انسان‌ها ندارند. مسئولیت معرفی و آشنا کردن انسان و موجودات فرازمینی با شماست.





یادداشت

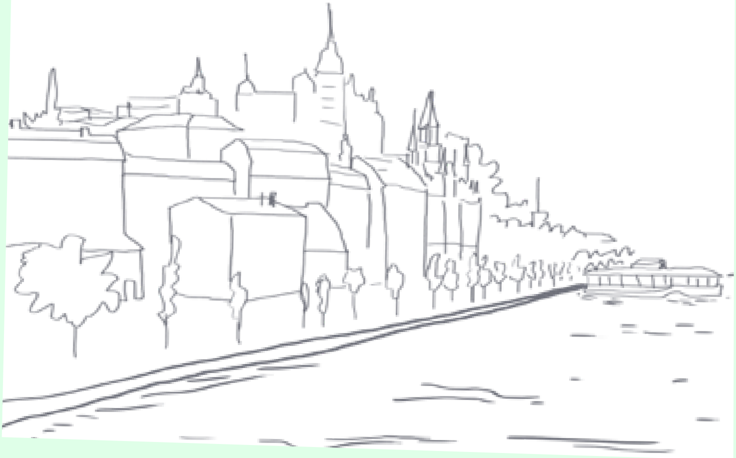
روستا

تاریخ

چه دردسرها و مشکلاتی برای انجام دادن این پروژه داشتید؟

چه بخش از پروژه به‌خوبی انجام شد؟

یادداشت





۷

کارت پستال‌هایی از ایران



قدمت و تاریخچه داستان‌گویی

عمر داستان‌ها به قدمت زندگی انسان‌ها روی کره زمین است:

- داستان درخت آسوریک و بز حدود پنج هزار و دویست سال قدمت دارد داستان درخت آسوریک و بز در شهرسوخته کشف شد.

- حضار شنونده: خانواده و فامیل

- مصریان باستان برای سرگرمی و مراسم مذهبی داستان تعریف می‌کردند.

- یونانیان باستان عاشق تئاتر و نمایشنامه بودند. مثلا ۱۴ هزار نفر برای شنیدن و دیدن داستان حماسی ایلیاد و اودیسه دور هم جمع می‌شدند.

- بعد از اختراع دستگاه چاپ و انتشار کتاب در قرن پانزدهم، داستان‌ها سفرهایشان را شروع کردند. کتاب «دن کیشوت» که از پرفروش‌ترین کتاب‌های دنیاست، اولین بار درسال ۱۶۰۵ میلادی (۴۱۲ سال پیش) منتشر شد. تا الان حدود ۵۰۰ میلیون نسخه از این کتاب در سراسر دنیا ترجمه و چاپ شده است.



- ویلیام شکسپیر یکی از معروف‌ترین نمایشنامه‌نویسان جهان است.
نمایشنامه‌های «رومئو و ژولیت» و «شاه لیر» او در لندن هر هفته نزدیک به ۱۶۰۵ هزار نفر تماشاچی داشت. شکسپیر اوایل قرن هفدهم یعنی حدود ۴۱۷ سال پیش زندگی می‌کرد.

- تلویزیون و رادیو راه و روش داستان‌گویی و داستان شنیدن را برای همیشه تغییر داد. در سال ۱۳۴۸ شمسی، بیش از ۵۳۰ میلیون نفر از مردم جهان فرود آمدن و راه رفتن انسان را بر روی ماه از تلویزیون تماشا کردند.

- امروزه اینترنت امکانی باورنکردنی برای به اشتراک گذاشتن داستان‌ها به ما داده است. همه می‌توانند داستان‌هایشان را با استفاده از وبلاگ، یوتیوب، وب‌سایت یا عکس برای تمام دنیا تعریف کنند. بیش از ۳.۲ میلیارد نفر در دنیا از اینترنت استفاده می کنند؛ یعنی تقریبا نیمی از مردم کرده زمین.



© copyright

کپی رایت یا «حق پدیدآورنده» متعلق به نویسنده یا خالق اثر هنری است. اثر هنری یعنی کتاب، عکس، ویدیو و موسیقی. کپی رایت اجازه نمی‌دهد کسی کار و اثر شخص دیگر را بدون اجازه، جایی استفاده کند. کپی رایت از حق شما محافظت می‌کند. هیچ کس حق ندارد بدون اجازه شما، از اثر هنری‌تان استفاده کند. از اثر هنری دیگران، بدون اجازه استفاده نکنید.

اهمیت کارت پستال

اولین کارت‌پستال در سال ۱۸۴۰ میلادی یعنی ۱۷۶ سال پیش در انگلیس فرستاده شد. راه‌های ارتباطی قدیم مثل استفاده از آتش و دود، مورس و کبوتر نامه‌بر تقریبا همه از بین رفته‌اند، اما هنوز هم از کارت‌پستال‌ها استفاده می‌شود.

شاید یکی از دلایلی که مردم هنوز هم از کارت‌پستال استفاده می‌کنند این است که کارت‌پستال‌ها ارزان، در دسترس و سبک‌اند. مهم‌تر این که عکس و تصویر دارند و همه ازش سردرمی‌آورند، حتی کسانی که سواد ندارند. برای این که برای دیگران کارت‌پستال بفرستیم، فقط نیاز به یک یا دو جمله کوتاه و آدرس گیرنده داریم.



به کنجکاوی و عکس گرفتن ادامه بدهید
این فهرست می‌تواند برای شما مفید باشد:

کتاب

قطعه گم‌شده
شازده کوچولو

جاناتان مرغ دریایی

دنیای سوفی

فیلم

Mآفساید
بادکنک سفید

آیینه
در جستجوی ویوین مایر

به‌سوی طبیعت وحشی
میس سان‌شاین کوچولو

مسابقات

فستیوال بین‌المللی عکس گلستان
مسابقه جهانی دانش‌آموزان عکاس

فستیوال خیام
مسابقه صدای جوانان ادوبی

فوتو واک

انجمن‌ها

باشگاه عکاسان جوان
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

انجمن عکاسان ایران

انجمن سینمای جوانان ایران
خانه عکاسان ایران



پروژه هفتم

حالا شما شش پروژه عکاسی را با موفقیت تمام کرده‌اید. الان زمان آن رسیده که داستان و عکس‌هایتان را دیگران بخوانند و ببینند.

عکس‌هایی را که گرفته‌اید به‌دقت ببینید. مهم‌ترین عکس را انتخاب کنید؛ عکسی که بهترین داستان را می‌گوید.

عکس‌های خود را با ما به اشتراک بگذارید.
اینستاگرام @kanoon_akasan_javan
تلگرام: t.m/kanoon_akasan_javan



داستان ما

کتابچه «سفرنامه یک عکاس جوان»، از نوجوانان دعوت می‌کند به جنگ عادت‌ها و کلیشه‌ها بروند. به‌علاوه، آن‌ها را به خلاف اندیشیدن، داستان‌گویی و بیان احساساتشان تشویق می‌کند.

تلاش ما ایجاد پیوند بین انسان‌ها از طریق هنر و داستان‌گویی تصویری است.

www.littleblackfish.se